

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

زیورِ اعمال

پرچم وحدت بلند ، به شرق و غرب جهان
گشت عیان آنچه بود ، ز چشم عالم نهران
قاضی و مفتی ، دغل ، عابد و زاهد بدل
قاری و صوفی ، چتل ، شیخ و ملا ، گمرهان
ای همه اهل جفنگ ، سینه تان همچو سنگ
شیشه دل پُر ز زنگ ، ننگ شده رنگ تان
ای همه اهل تفنگ ، دین شما گشته جنگ
اسلحه ، دور افگنید ، آمده صاحب زمان
صبح حقیقت دمید ، ظلمت شب چیره شد
چشمی گشا و نگر ، روز خدا شد عیان
بیمی نباید ز گرگ ، نه ز پلنگان هراس
گله آواره را ، رسید اکنون شبان
رجال و نسوان به صف ، جام محبت بکف
چنگ و دوتار است و دف ، بدست پیر و جوان
وحدت نوع بشر ، عاقبت ایجاد شد
فرق سیاه و سپید ، رفته کنون از میان

مسلم و بودائی و ، اهل بهاء و یهود
گبر و مسیحی و غیر ، چون گل یک بوستان
جمعی نگر از شمال ، جمعی ببین از جنوب
جمعی ز شرق و ز غرب ، کل شده یک خاندان
سویسی و السمانی ، افغانی و ایرانی
نشسته بر دور هم ، بفکر یک آشیان
باده و پیمانان و ، جام محبت ، به دور
ساغر وحدت بگیر ، زود نما نوش جان
بلبل و قمری و سار ، فاخته و عندلیب
نغمه بخوانند که ما ، جمله ز یک دودمان
عاقبت از آسمان ، از کرم و فضل حق
نظم بدیعی رسید ، بر همه اهل جهان
زیور اعمال را ، آنکه کند زینتش
گوهر پُر ارزش و فخر همه بندگان
زانکه شریکند به قول ، جمله اغیار و یار
لایق ابرار ما ، شد عمل و نه بیان
خامه بی رنگ ما ، کاغذ بی ننگ ما
حیف ، ندارد دگر ، طاقت و تاب و توان
وقت به آخر رسید ، رنگ قلم شد تمام
ورنه نویسم هزار ، بیت ، به اندک زمان
« نعمت » ازین گفته ها ، سودی نبخشی به کس
تا که خودت ، خویشتن ، را نکنی امتحان